



آفات زبان (۳)

چرا غیبت کردن از گناهان کبیره است؟

برگرفته از آثار آیت الله استاد مجتبی تهرانی (رحمة الله علیه)

اشاره

در شماره‌های گذشته در موضوع غیبت و بهتان و حرمت غیبت از دیدگاه شرع با توجه به آیات شریفه قرآن بررسی شد. در این شماره ابعاد غیبت و حرمت آن از دیدگاه معصومین علیهم السلام و حکم فقهی آن مورد بحث قرار بگیرد.

ابعاد غیبت از دیدگاه روایی

به غیبت از سه بُعد می‌توان توجه کرد:

۱. بُعد عملی: دو روایت پیشین به بُعد عملی غیبت اشاره داشت.

۲. بُعد درونی (روانی): امام علی (ع) می‌فرماید:

الَّتَمَّ النَّاسُ الْمُعْتَابَ (غررالحکم: ۲۲۱ ح ۴۴۲۷)

پست‌ترین مردم کسی است که غیبت می‌کند.

حضرت در این روایت به بُعد درونی و روانی غیبت نظر دارد؛ به این معنا که حال درونی شخص غیبت‌کننده را بیان می‌کند.

۳. بُعد معنوی (الهی): حضرت در روایت دیگری به

تأثیر منفی غیبت در بُعد معنوی اشاره دارد و رابطه خداوند با اهل غیبت را روشن می‌سازد:

أَبْغَضَ الْخَلِائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُعْتَابَ (همان ج ۴۴۲۸)

مبغوض‌ترین مردم در نظر خداوند کسی است که غیبت می‌کند.

رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بَلِسَانِهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِقَلْبِهِ لَا تَغْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ (مستدرک الوسائل، ج ۹: ۱۱۹ ح ۱۰۴۱۲)

ای گروهی که به زبان ایمان آورده‌اید اما دل‌های شما ایمان نیاورده است، از مسلمانان غیبت نکنید.

رسول خدا (ص) با صراحت ابراز می‌دارد که غیبت‌کننده، فاقد ایمان قلبی است؛ زیرا فردی که با زبان به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اقرار کند مسلمان است؛ ولی اگر وابستگی قلبی، یعنی ایمان نداشته باشد و از مسلمانان غیبت کند بُعد معنوی‌اش ضعیف می‌شود. بنابراین، مسلمان واقعی کسی است که قلب و زبانش، هر دو معتقد و از غیبت به‌دور باشد.

بدترین نوع غیبت

غیبت از هر مسلمانی زشت و نارواست. اما غیبت از خوبان و صالحان، بسی زشت‌تر و ناپسندتر است. در روایات آمده است: انسانی که عیوب و نقایص نیکان را مطرح و پشت‌سرشان غیبت کند، دچار یکی از زشت‌ترین پستی‌ها شده است:

من أفبح اللّوم غيبة الأخيار (غررالحکم: ۲۲۱ ح ۴۴۳۳)

از زشت‌ترین پستی‌ها غیبت کردن از نیکان است.

غیبت کردن از اخیار، برگزیدگان و نیکان از نظر دنیایی، در زندگی انسان پیامدهای منفی دارد، عمر را کوتاه می‌کند و رفتاری‌های بسیار پیش می‌آورد و انسان را از خوبی‌های دنیا و آخرت محروم می‌سازد.

حکم غیبت از نظر فقهی

پشتوانه احکام در فقه شیعی، ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) است و بسیاری از فقیهان شیعی در بحث غیبت می‌فرمایند:

الغيبه حرام بالادلة اربعة

غیبت به ادله اربعه حرام است؛ یعنی فتوای ایشان به هر چهار مرجع، مستند شده است که بر قوت و استحکام فتوای مورد نظر می‌افزاید. از آنجا که این بحث فقهی به‌طور گسترده در این مجال نمی‌گنجد، فقط به ذکر روایتی از امام صادق (ع) در این مورد بسنده می‌شود که می‌فرماید:

الْغَيْبَةُ حَرَامٌ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ... وَالْغَيْبَةُ تَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. (مستدرک، ج ۹: ۱۱۷، ۱۱۸ ح ۱۰۴۰۷)



غیبت بر هر مسلمانی حرام است... و غیبت نیکویی‌ها را می‌خورد؛ همان‌گونه که آتش هیزم را نابود می‌کند. رفیقی که غایب شد ای نیک‌نام دو چیز است از او بر رفیقان حرام یکی آنکه مالش به باطل خورند دوم آنکه نامش به غیبت برند شرایط حرمت غیبت حرمت غیبت از نظر فقهی، شرایطی دارد که عبارت‌اند از:

۱. شخصی که انسان در غیاب او، عیبش را بازگو می‌کند، مؤمن باشد؛ یعنی بینشان اخوت ایمانی وجود داشته باشد. همان‌گونه که خداوند متعالی در آیه شریفه سوره حجرات، غیبت را به خوردن گوشت برادر مؤمن تشبیه فرمود.

در همین زمینه، روایتی از امام صادق (ع) به نقل از عبدالرحمن سیاب آمده است:

إِنَّ مِنَ الْغَيْبَةِ أَنْ تَقُولَ فِي أَحَبِّكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ (وسائل الشیعه، ج ۱۲: ۲۸۲، ح ۱۶۳۱۳)

غیبت این است که درباره برادر مؤمنت عیبی را که خدا برای او پوشانده است، بگویی؛

بنابراین، اگر عیب کافر پشت‌سرش گفته شود، غیبت به‌شمار نمی‌آید.

مؤمن کسی است که به همه اصول دین (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد) اعتقاد داشته باشد.

۲. از نظر شرعی، غیبت هنگامی پیش می‌آید که پشت‌سر فرد، «عیب و نقص» او را بازگو کنند ولی اگر کمالش را بگویند (راضی باشد یا نباشد)، غیبت شمرده نمی‌شود.

۳. عیب و نقصی که شخص در غیاب برادر یا خواهر مؤمنش می‌گوید، نزد عموم ناخوشایند و ناپسند باشد؛ از این رو اگر عامه مردم آن عیب را زشت بشمارند ولی خود فرد غایب به بازگفتن آن راضی باشد، غیبت به‌شمار می‌رود.

پیش‌تر از رسول اکرم (ص) در بحث «تفاوت بهتان و غیبت» روایتی آورده شد که حضرت در تعریف غیبت فرمود: «ذکرک اخاک بما یکره». مقصود از «یکره» در این حدیث، این نیست که آنچه را فقط برادرت خوش ندارد ذکر کنی؛ بلکه منظور امری است که به‌طور طبیعی و نزد عامه ناخوشایند باشد؛ زیرا خداوند متعال راضی نیست آبروی مؤمن در اجتماع بریزد. در روایات هم آمده است:

قُوا أَعْرَاضَكُمْ

آبروهایتان را حفظ کنید. (مستدرک الوسائل، ج ۱۵: ۴۹۸)

امیر مؤمنان (ع)
«لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ». (همان، ج ۱۲: ۲۱۰ ح ۱۳۰۹۸)
مؤمن حق ندارد خودش را خوار کند.

پیامبر اکرم (ص)
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوْضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْ لَالَ نَفْسِهِ.

خداوند بلندمرتبه همه چیز، جز ذلیل کردن نفس را به مؤمن تفویض کرده است.

امام صادق (ع)

پس اگر مؤمن، عیب برادر مؤمن خود را که ناپسند تلقی می‌شود، پشت‌سرش بگوید و آن فرد هم راضی باشد، رضایتش موجب برداشته شدن حرمت این عمل نمی‌شود.

۴. عیب و نقصی در غیاب فرد بازگو شود که از مردم پوشیده بوده است؛ بنابراین اگر فردی به داشتن عیبی نزد مردم معروف باشد، بازگفتن آن نزد کسی که از آن آگاهی دارد، حرام نیست.

حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود:
مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ، لَمْ يَغْتَابْهُ؛ وَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ، اغْتَابَهُ (همان، ج ۲: ۳۵۸ ح ۶)

کسی که پشت‌سر شخصی چیزی را یادآور شود که همه مردم می‌دانند، غیبت نیست و اگر کسی پشت‌سر نقص یا عیبی را بگوید که مردم نمی‌دانند، غیبت است.

۵. قصد انتقاص وجود داشته باشد؛ یعنی شخص با بازگفتن عیب دیگری، قصد کاستن از وجهه و شخصیت او را داشته باشد. پس اگر بازگفتن عیب، برای درمان و برطرف کردن آن باشد، مثل آنکه انسان حالات مریضی را به پزشک بگوید، چون قصد انتقاص ندارد، رفتار او غیبت به‌شمار نمی‌آید.

۶. شنونده داشته باشد؛ پس اگر انسانی تنها نشسته باشد و از روی ناراحتی یادآور عیوب دیگری شود، چون شنونده ندارد، رفتار او حرام نیست و غیبت به‌شمار نمی‌رود.